

پیام دو بنای عروس

خواندن متون مقدس: پیدایش ۱: ۲۶؛ ۲: ۷-۱۰، ۱۸-۲۵؛ مکاشفه ۱۹: ۷-۹؛ ۲۱: ۹-۱۱

۱. بنای خدا، مورد مرکزی در کل کتاب مقدس است. عروس مسیح، بنای خدای سه یکتاست - «و خداوند [یهوه] خدا آن دنده را که از آدم گرفته بود، زنی بنا کرد و وی را به نزد آدم آورد» - پیدایش ۲: ۲۲:

آ. کل کتاب مقدس ممکن است به یک کتابچه راهنمای بنا تشبیه شود. مکاشفه در مورد باغ عدن، به عنوان آغاز مکاشفه الهی در متون مقدس، و مکاشفه در مورد اورشلیم نو، به عنوان پایان مکاشفه الهی در متون مقدس، یکدیگر را بازتاب می کنند.

ب. آنچه در این دو بخش از متون مقدس آشکار شده است، اندیشه مرکزی خدا، خط مرکزی مکاشفه الهی، و یک اصل کنترل کننده برای تفسیر و فهم متون مقدس است:

۱. پیدایش ۱ و ۲، طرح کلی برنامه معماری ارگنیک خدا برای داشتن بنا الهی اوست (عبرانیان ۱۱: ۱۰)؛ خواست خدا، بنا کردن مسیح در ساختار نهادی ما است تا تمام وجود ما با مسیح بازساخت شود. خدا از این طریق یک انسان جمعی کسب می کند تا صورت او را ابراز کرده و اقتدار او را نمایندگی کند (پیدایش ۱: ۲۶؛ ۱ قرنیتان ۳: ۹؛ متی ۱۶: ۱۸؛ ۲ سموئیل ۷: ۱۲-۱۴).

۲. مکاشفه ۲۱ و ۲۲، عکس بنا به پایان رسیده، ابراز جمعی خدای سه یکتاست؛ اورشلیم نو، بازتاب و برآورده شدن مکاشفه الهی در مورد باغ عدن است.

۳. مسیح به عنوان داماد بازخواهد گشت تا با عروسش، که مجموع غلبه کنندگان خواهد بود، ازدواج کند. این بناسازی توسط غلبه کنندگان در این عصر برای تکمیل آغازین اورشلیم نو در عصر پادشاهی (۱۹: ۷-۹) و عاقبت برای تکمیل کامل اورشلیم نو در آسمان نو و زمین نو است (۲: ۲۱).

۴. توسط کار مداوم روح القدس سرتاسر تمام قرون، این هدف در پایان این عصر محقق خواهد شد؛ آنگاه عروس، ایمانداران غلبه کننده، آماده خواهند شد، و ملکوت خدا خواهد آمد - ۲۶: ۲۹؛ ۱۳: ۴۳.

۵. عروس جمعی، اورشلیم نو، دو جنبه از مقصود خدا را برآورده خواهد کرد (پیدایش ۱: ۲۶). اول، اورشلیم نو، ابراز کامل خدا به صورت کامل خدا برای جلال او خواهد بود (مکاشفه ۲۱: ۱۱؛ ر.ک. ۴: ۳)؛ دوم، این اورشلیم نو، دشمن را مهار کرده، زمین را فتح خواهد کرد، و اقتدار خدا را با سلطه او بر کل عالم به تمرین خواهد گذاشت (پیدایش ۱: ۲۶؛ مکاشفه ۲۲: ۵؛ ر.ک. ۲۰: ۱۰، ۱۴-۱۵).

پ. وقتی که ما به عنوان مردم خدا وارد یک رابطه عاشقانه با خدا می شویم، حیات او را همانطور که حوا حیات آدم را دریافت کرد، دریافت می کنیم. این حیات است که ما را قادر می سازد با خدا یک شویم و او را با ما یک می سازد - پیدایش ۲: ۲۱-۲۲.

۲. برای اینکه خدا و مردمش یک باشند، باید بین آنها عشقی متقابل باشد. عشق بین خدا و مردمش که در کتاب مقدس فاش شده است، در وهله اول مثل عشق عاطفی بین مرد و زن است - یوحنا ۱۴: ۲۱، ۲۳؛ ارمیا ۲: ۲؛ ۳۱: ۳:

آ. همانطور که مردم خدا عاشق خدا بوده و زمانی را صرف مشارکت با او در کلامش می کنند، خدا آنها را با عنصر الهی اش تزریق کرده، آنها را به عنوان همسرش با خود یک می سازد، [یعنی] مثل او در حیات، طبیعت و ابراز - مزامیر ۱۱۹: ۱۴۰، ۱۵-۱۶.

ب. خدا اول ما را از این جهت محبت کرد که ما را با عشقش تزریق کرد و عشقی را در ما ایجاد نمود که ما با آن او و برادران را دوست می داریم - ۱ یوحنا ۴: ۱۹-۲۱.

پ. حیاتی که از خدا دریافت کرده ایم، حیات عشق است. مسیح در این دنیا حیات خدا را به عنوان عشق زیست، و او اکنون حیات ماست تا بتوانیم همان حیات عشق را در این دنیا زیست کنیم و همانطور که او هست باشیم - ۳: ۱۴؛ ۵: ۱؛ ۲: ۵-۶؛ ۴: ۱۷.

ت. عشق طبیعی ما باید بر صلیب گذاشته شود. یک تفاوت بین عشق خدا و عشق طبیعی ما این است که آزرده شدن [رنجیدن] عشق طبیعی ما بسیار آسان است.

ث. ما باید اشخاصی باشیم که از عشق مسیح آکنده و فریفته شویم. عشق الهی باید مانند جزر و مد آبهای عظیم به سوی ما بوده، ما را وادار کند که فراتر از کنترل خود زندگی کنیم - ۲ قرن‌تیا ۵: ۱۴.

ج. فرمان محبت برادرانه هم قدیمی است و هم جدید: قدیمی، زیرا ایمانداران آن را از آغاز زندگی مسیحی خود داشته اند؛ جدید، زیرا در گام برداشتن مسیحی آنها، آن بارها و بارها با نوری جدید طلوع می کند و با روشنگری جدید و قدرت تازه می درخشد - ۱ یوحنا ۲: ۷-۸؛ ۳: ۱۱، ۲۳؛ ر. ک. یوحنا ۱۳: ۳۴.

چ. بدن خود را در عشق بنا می کند تا عروس مسیح شود (افسسیان ۴: ۱۶). روح تولد تازه یافته خدادادی ما، روح عشق است. ما به روح سوزان عشق نیاز داریم تا بر تنزل کلیسای امروزی غلبه کنیم (۲ تیموتائوس ۱: ۷).

ح. «علم [دانش، شناخت] باعث تکبر است، لیکن محبت [عشق] بنا می کند» (۱ قرن‌تیا ۸: ۱ب؛ ر. ک. ۲ قرن‌تیا ۳: ۶). عشق به یکدیگر نشانه آن است ما به مسیح تعلق داریم (یوحنا ۱۳: ۳۴-۳۵). عشق به اول بودن در کلیسا، در مقابل عشق به همه برادران است (۳ یوحنا ۹).

خ. همانطور که خداوند عیسی حیات روانش را نهاد [کنار گذاشت] تا ما بتوانیم حیات الهی را داشته باشیم، ما نیز باید حیات روان خود را از دست بدهیم و خود را انکار کنیم تا برادران را محبت کرده و به آنها در به عمل گذاشتن زندگی بدن برای آماده سازی عروس مسیح، حیات بخش کنیم - ۱ یوحنا ۳: ۱۶؛ ۴: ۱۷ و زیرنویس ۵؛ یوحنا ۱۰: ۱۱، ۱۷-۱۸؛ ۱۵: ۱۳؛ افسسیان ۴: ۲۹ - ۵: ۲؛ ۲ قرن‌تیا ۱۲: ۱۵؛ رومیان ۹: ۱۲-۱۳.

د. عشق، عالی ترین راه برای ماست تا برای بناسازی کلیسا به عنوان بدن ارگانیک مسیح، چیزی باشیم یا کاری انجام دهیم - ۱ قرن‌تیا ۱۲: ۳۱ب-۱۳: ۸آ.

۳. ما باید ببینیم که خدا چه کرد تا همتایی برای خود تولید کند. پیدایش ۲ تصویری از مسیح و عروسیش را در نمادهای آدم و حوا آشکار می کند:

آ. آدم نماد خدا در مسیح به عنوان شوهر واقعی و عالمی است که جویای همسری برای خود است - رومیان ۵: ۱۴؛ ر. ک. یوحنا ۳: ۲۹؛ ۲ قرن‌تیا ۱۱: ۲؛ افسسیان ۵: ۳۱-۳۲؛ مکاشفه ۱۹: ۷-۹؛ ۲۱: ۱۱-۹.

ب. «و خداوند [یهوه] خدا گفت: خوب نیست که آدم تنها باشد. پس برایش معاونی موافق وی [همتا] بسازم» - پیدایش ۲: ۱۸:

۱. نیاز آدم به یک همسر، نماد و تصویری از نیاز خدا در اقتصادش، به داشتن همسر به عنوان همتای او، مکمل او (موازی او) است. اگر چه خدا، مسیح، به طور مطلق و جاودان کامل است، او بدون کلیسا به عنوان همسرش، در کمال نیست.

۲. خدا می خواهد که هم آدم، نماد مسیح، و هم حوا، نماد کلیسا، را داشته باشد. [خدا] مقصودش این است که بگذارد آنها «حکومت نمایند» (۱: ۲۶)؛ این داشتن یک مسیح پیروز به علاوه یک کلیسای پیروز است، مسیحی که بر کار ابلیس غلبه کرده علاوه بر کلیسایی که کار ابلیس را سرنگون کرده است. خدا می خواهد مسیح و کلیسا تسلط [حکومت] داشته باشند (رومیان ۵: ۱۷؛ ۱۶: ۲۰؛ افسسیان ۱: ۲۲-۲۳).

پ. خدا هر حیوان صحرا و هر پرنده آسمان را از زمین سرشت و نزد آدم آورد، «و آنچه آدم هر ذی حیات را خواند، همان نام او شد. پس آدم همه بهایم و پرندگان آسمان و همه حیوانات صحرا را

- نام نهاد. لیکن برای آدم معاونی موافق وی [همتا] یافت نشد» - پیدایش ۲: ۱۹-۲۰.
- ت. زن باید در حیات، طبیعت و ابراز، با شوهر یکسان باشد؛ در میان بهایم، پرندگان و حیوانات، آدم برای خود یک مکمل پیدا نکرد، [یعنی] فردی که مطابق او باشد - آ. ۲۳.
- ث. خدا برای اینکه مکملی برای خود تولید کند، ابتدا انسان شد، همانطور که آفرینش آدم توسط خدا نشان می دهد - یوحنا ۱: ۱۴؛ رومیان ۵: ۱۴.
- ج. «خداوند [یهوه] خدا، خوابی گران بر آدم مستولی گردانید تا بخت، و یکی از دنده هایش را گرفت و گوشت در جایش پر کرد» - پیدایش ۲: ۲۱.
۱. خواب عمیق آدم برای تولید حوا به عنوان همسرش نماد مرگ مسیح بر صلیب برای تولید کلیسا به عنوان همتای اوست - افسسیان ۵: ۲۵-۲۷.
 ۲. در کتاب مقدس، خواب به معنای مرگ است - ۱ قرنیتیان ۱۵: ۱۸؛ ۱ تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۶؛ یوحنا ۱۱: ۱۴.
 ۳. مرگ مسیح، یک مرگ آزاد کننده حیات، افاضه کننده حیات، انتشار دهنده حیات، افزون کننده حیات و بازتولید کننده حیات است، که توسط افتادن دانه گندم به زمین جهت مردن و رشد کردن نشان داده شده است تا دانه های بسیار تولید کند (۱۲: ۲۴) برای ساختن نانی که بدن، کلیسا است (۱ قرنیتیان ۱۷: ۱۰).
 ۴. از طریق مرگ مسیح، حیات الهی در درون او آزاد شد، و از طریق رستاخیزش حیات الهی او که آزاد شده بود، برای ساختن کلیسا، در ایماندارانش افاضه شد - لوقا ۱۲: ۴۹-۵۰؛ ر.ک. رومیان ۱۲: ۱۱؛ مکاشفه ۴: ۵.
 ۵. از طریق چنین فرآیندی، خدا در مسیح با حیات و طبیعت خود در انسان نهاده شده است تا انسان بتواند در حیات و طبیعت مثل خدا باشد تا به عنوان همتای او مطابق او باشد.
- چ. «و خداوند [یهوه] خدا آن دنده را که از آدم گرفته بود، زنی بنا کرد و وی را به نزد آدم آورد» - پیدایش ۲: ۲۲.
۱. دنده ای که از پهلوی باز شده آدم گرفته شد نماد حیات جاودان ناشکستی و فنا ناپذیر مسیح است (عبرانیان ۷: ۱۶؛ یوحنا ۱۹: ۳۲-۳۳، ۳۶؛ خروج ۱۲: ۴۶؛ مزامیر ۳۴: ۲۰)، که از پهلوی شکافته شده او جاری شد (یوحنا ۱۹: ۳۴) تا حیات را به ایماندارانش برای تولید و بناسازی کلیسا به عنوان همتای او افاضه کند:
 - (آ) از پهلوی مسیح خون و آب بیرون آمد، ولی تنها چیزی که از پهلوی آدم بیرون آمد، دنده او بدون خون بود.
 - (ب) این بدین دلیل است که در زمان آدم نیازی به باز خرید از طریق خون نبود، زیرا گناهی وجود نداشت. در زمانی که مسیح بر صلیب «خواب» بود، مشکل گناه وجود داشت. از این رو، خونی که از پهلوی مسیح بیرون آمد، برای باز خرید قضایی ما بود.
 - (پ) به دنبال خون، آب بیرون آمد، که حیات جاری خدا برای نجات ارگانیک ما است (خروج ۱۷: ۶؛ ۱ قرنیتیان ۱۰: ۴؛ اعداد ۲۰: ۸). این حیات الهی، جاری و آفریده نشده، با دنده بیرون آمده از پهلوی آدم نشان داده می شود (رومیان ۵: ۱۰).
 ۲. پیدایش ۲: ۲۲ نمی گوید که حوا آفریده شد، بلکه او بنا شد. بنا شدن حوا با دنده برگرفته از پهلوی آدم، نماد بنای کلیسا با حیات رستاخیز مسیح است که از طریق مرگ او بر صلیب آزاد شد، و در رستاخیز او، در ایماندارانش افاضه شد - یوحنا ۱۲: ۲۴؛ ۱ پطرس ۱: ۳.
 ۳. کلیسا به عنوان حوا واقعی، مجموع مسیح در همه ایماندارانش است. کلیسا، بازتولید مسیح است؛ غیر از عنصر مسیح، هیچ عنصر دیگری در کلیسا نباید باشد - پیدایش ۵: ۲.
- ح. فقط آنچه از مسیح با حیات رستاخیزش بیرون می آید می تواند مکمل او به عنوان عروسش باشد (۱ قرنیتیان ۱۲: ۱۲؛ افسسیان ۲: ۶؛ ۵: ۲۸-۳۰)؛ کلیسا، محصولی خالص بیرون آمده از مسیح است. کلیسا «مسیح وار»، «رستاخیز وار» و آسمانی است.

خ. آدم و حوا که یک بودند، یک زندگی زناشویی با هم به عنوان شوهر و زن داشتند (پیدایش ۲: ۲۴-۲۵). این نشان می دهد که در اورشلیم نو، خدای سه یکتای فرآیند و تکمیل شده به عنوان شوهر عالمی، یک زندگی زناشویی با انسانیت بازخرید شده، تولد تازه یافته، دگرگون شده، و جلال یافته به عنوان همسر تا ابدالابد خواهد داشت (مکاشفه ۲۲: ۱۷ الف).
د. در ابدیتی که بی پایان است، با حیات الهی، جاودان و فوق العاده پر جلال، آنها زندگی ای خواهند داشت که آمیختگی خدا و انسان به عنوان یک روح است، یک زندگی فوق العاده عالی و لبریز با برکات و شادی.